



درنگی بر «زباله دانی» ها- سندهای بازیافته، در نوشته های دور ریخته

پدیدآورده (ها) : روح الامینی، محمود

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1379 - شماره 39 و 40
از 92 تا 103

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92295>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 14/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



درنگی بر «زباله دانی»ها سندهای بازیافته، در نوشته‌های دور ریخته

دکتر محمود روح‌الامینی

دولت علیه ایران به هر عنوان که باشد، باید به تصویب مجلس شورای ملی انجام پیدانماید (...) و فعلاً که مجلس شورا در عهده انفصال است، اولیای دولت حق مداخله به مواد مذکوره را ندارند. که نسخه‌ای از اعلامیه دولت نیز ضمیمه نامه انجمن ایالتی است.

۲- نامه دیگر که یکماه بعد نوشته شده (۸ صفر ۱۳۲۷)، انجمن ایالتی آذربایجان، براساس پیام فونسلگری فرانسه در تبریز از تقاضای «یک خروار گندم برای گماشتگان جنرال فونسلگری» استقبال می‌کند، که طبعاً این مساعدت در رفع نیازمندی او نیاطی به اعلامیه دولت ندارد.

۳- از آنجا که فعالیت‌های فرهنگی و کار ترجمه آقای نیکلا، مورد توجه مظفرالدین شاه قاجار قرار گرفته بود، به دریافت نشان درجه سوم همایونی فرار گرفت.

پی‌آمد سخن:

بی‌گمان نه نخستین بار و نه آخرین بار خواهد بود، که در «خانه نکانی» تعمیر با تخریب خانه، جایجا شدن، مقداری از وسایل و ابزارها - به هر علتی که باشد - مورد نیاز صاحب خانه نیست، و آنها را دور می‌ریزند و این «دور ریختنی»ها یا رواج بیشتر اجاره نشینی، آپارتمان نشینی و کوچک شدن فضای مسکونی، بر مقدارش افزوده می‌شود. چه بسیار سندها، کتاب، ابزارهای ارزنده سنتی و خانوادگی - که معیار و معرف گویای تاریخی و فرهنگی می‌تواند باشد - در این دور ریختن‌ها از میان رفته و به دست فراموشی سپرده می‌شود، که به ناگزیر بسیار اتفاق افتاده است.

گاه بر حسب اتفاق، ممکن است سند و اثری ارزنده، از نابودی نجات یابد (همانگونه که می‌نوانست، «بر حسب اتفاق» نابود شود).

- اگر «بر حسب اتفاق» این اسفندیار (بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار) دانشمند طبرستانی ساکن بغداد، در سال ۶۰۶ هجری

به دشواری می‌توانستیم باور کنیم. هنگامی که شنیدم: «دست‌نوشته‌ها، سندها، بسیاری از منابع تحقیقی (مجله، روزنامه، اعلامیه، گزارش، یونامه‌های خصوصی نیکلا (A.L.M. NICOLAS) نویسنده، مترجم، سیاستمدار و مستشرق معروفی که نزدیک به یک قرن پیش در ایران بوده (۱)، در زباله‌های کناریکی از خیابانهای پاریس - شهری که کتابخانه‌هایش (بویژه کتابخانه ملی، کتابخانه مدرسه زبانهای شرق و کتابخانه موزه گیمه) گنجینه نگهداری بسیاری از سندها و کتابهای منحصر بفرد مشرق زمین می‌باشد - ریخته شده است.

ولی واقعیت داشت. آقای مونتئی (y. Montei) که مقداری از این سندها را، از میان زباله برداشته، تعریف می‌کرد که در چند سال پیش، غروب یکی از روزهای فصل بهار، در کنار خیابان راسپای (Raaspai) نزدیک خیابان مونپارناس (Montparnasse) عده‌ای را دیدم که بیامون زباله‌ها - که لاتین نیست و شباهتی به خط فرانسه ندارد، زیور و می‌کنند، و یا برمی‌دارند (۲). آقای مونتئی نیز مقداری از دست‌نوشته‌ها و جزوه‌ها را برداشته و به خانه می‌آورد و از نام نیکلا، تبریز و ایران، در آن نوشته‌ها متوجه می‌شود، که سندها، و نامه‌های خصوصی متعلق به محقق است که در فونسلگری سفارت فرانسه در تبریز کار می‌کرد. آقای مونتئی این ماجرا را برای خانمی از همکارانش که همسر یکی از ایرانیان مقیم فرانسه است، بیان می‌کند. در ژانویه امسال (۱۹۹۹)، در پاریس، بر حسب اتفاق در جریان این سندهای دور ریخته شده (با سندهای یافت شده) فرار گرفته و علاقه مند به دیدن آنها شدم.

آقای مونتئی با مهربانی مرا به خانه‌اش پذیرفت. دیدن سندها، نامه‌ها، روزنامه‌ها - در کنار پذیرایی‌ها - در طبقه ششم خانه کهنسالی، در یکی از محله‌های قدیمی پاریس، با پله‌های چوبی سانیده شده، که قدمتش کمتر از سندها نبود، خستگی و دلهره مزاحم شدن «راز» تم زدود.

این سندها که به گفته آقای مونتئی، تقریباً یک دهم «گنجینه» سندهای دور ریخته شده است، شامل برخی نامه‌های خصوصی و اداری، دست‌نوشته، مقاله‌ها، شماره‌هایی پراکنده از روزنامه‌های تهران و تبریز (سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲)، چون اتحاد، بوقلمون، ملانصرالدین، مساوات، استقلال، مجاهد، کشکول و (...) و بالاخره فرمان مظفرالدین شاه قاجار به «اعطای یکا قطعه نشان شیرو خورشید از درجه دوم ستاره دار» و ... می‌باشد.

آقای مونتئی که با صمیمیت، این اسناد را در دسترس این جانب قرار داده، علاقه مند است، مطمئن شود که آنها دستخوش سرنوشت «زباله» هانشده، و در آرشویی معتبر نگهداری و مورد استفاده قرار گیرند.

در توضیح فتوکپی سندهای بیوست، ملاحظه می‌گردد:

۱- در نامه مورخ اول محرم ۱۳۲۷ هجری قمری (۲۵ ژانویه ۱۹۰۹) انجمن ایالتی آذربایجان یاد آور می‌شود که «به موجب اصل ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی بستن معاهدات و مقاولات و دادن امتیازات و استقراض

قمری، از بغداد به ایران، و برای دیدار پدر به امل ترفته بود، از کتاب «نامه تسرا» نتهانامی مانده بود. وی گوید: «بعد پنج سال که مقام کردم، روزی به رسته صحافان مرا گذر افتاد، از دکانی کتابی برداشتم در و اند رساله بود (...) و رساله دیگر که ابن مقفع از لغت پهلوی معرب گردانیده، جواب نوشته جسنسف شاه شاهزاده طبرستان از نسر دانای فارس هر یک هر ایذه اردشیر پاپک، با اینکه نه روزگار مساعد و نه دل و مساعد هیچ کار بود... در فراهم آوردن تاریخ طبرستان چون تقدیم اقدم لازم بود این رساله را که چون فلک مشحون است از فنون حکم، ترجمه کرده افتتاح بدور رفت (۳)».

- اگر آب در زیر زمین خانه نوه ارنست هولستر (ERNST HOLTZER) در آلمان نمی افتاد، بی گمان یادداشت ها و فیلم های این مهندس آلمانی که در سال ۱۸۶۳ از ایران تهیه شده و مستندهای ارزشمندی از زندگی مردم اصفهان است به فراموشی سپرده شده و کتاب «ایران در یکصد و سیزده سال پیش» در ۱۳۵۵ منتشر نمی شد (۴).

- و بالاخره دانشجوی مستاجر، در تهران جمعیه دور افتاده ای را که شیشه های نگاتیو فیلم، مربوط به دوره قاجاریه در آن بود نجات داد. جمعیه ای که پسر صاحبخانه، در «خانه تکانی» بعد از مرگ پدر، نمی دانست چیست و چه ارزشی دارد.

این شیشه های نگاتیو، شامل صحنه های جالب و ارزنده، که معرف بسیاری از ویژگی های تبریز در زمان ولایت عهدی محمد حسن میرزای قاجار است، عکس های آن، به کوشش آقای بهمن جلالی، با عنوان «مجموعه عکس های یک عکاس ناشناس در اواخر دوره قاجاریه»، در خرداد و تیر ۱۳۷۶، در عکسخانه شهر به نمایش گذاشته شد (۵).

و نیز، دستیابی به نسخه های خطی کتابهای «تاریخ سبستان» (۶) «به حدود انعام» (۷) و «وقفنامه ربع رشیدی» (۸)، هر چند از «زبانه های دور ریخته شده نبود، ولی نجات آنها خانی از رویدادهای اتفاقی میسر نگردید، که شرح هر یک را در مقدمه مصحح کتاب می یابید.

در نمونه های یاد شده - که مستقی از خروار است - از نجات اتفاقی سندهایی سخن به میان آمد، که می رفت به نابودی کشیده شود و میدانیم که هنوز در بسیاری از خانه ها، فقه ها، بیغوله ها یا ویرانه ها، می توان - تنها و نوشتارهای ارزشمندی را - پیش از آنکه به «زبانه دان» نابودی به پیوند یافت و منتشر کرد و البته کسانی نیز بدین امید، در جستجو و تلاشند.

به یاد دارم، زنده یاد دکتر احمد افشار شیرازی که کتابخانه غنی او کتابهای ارزشمند داشت، و امید است محفوظ مانده باشد - زمانی که دبیر ادبیات فارسی دارالفنون بود (سال ۱۳۲۹) روزی ضمن بحث درباره تاریخ بیهقی، و توصیه در جستجو و نگهداری آثار خطی، میگفت: «ارزو دارم در جستجوی ۵ مجلد اول تاریخ بیهقی، دستم قطع شود و کتاب کامل شود و بتوانم آنرا بخوانم» (۹).

نجات یافتن اسناد

با استقبال و علاقه مندی صمیمانه جناب آقای دکتر سید حسن شهرستانی، رئیس سازمان اسناد ملی ایران، و اطمینان یافتن آقای مونتئی (Monteil) از اینکه: «این اسناد دستخوش سر نوشت زبانه ها نشده و در مرکز مناسب مطالعاتی نگهداری و مورد استفاده قرار خواهد گرفت»، سرانجام در سفری به فرانسه، (در شهریورماه ۱۳۷۸ رمان برگزاری چهارمین کنفرانس اروپائی درباره ایران)، که نیز، حامل پیام و نامه ای از سوی سازمان اسناد ملی ایران برای آقای مونتئی بودم، اسناد یاد شده، در اختیار نگارنده قرار گرفت، و امروز ثبت و ضبط سازمان اسناد ملی ایران است و امیدواریم که همه اسناد، نامه ها و مجموعه خصوصی نیکلاها (لونی ژان یا نیست نیکلا، و انقونس نیکلا) درباره ایران - که دور ریخته شده بود - گردآوری شده، و آرشیو کاملی از آن در سازمان اسناد ملی ایران فراهم آید.

پی نوشتها:

۱. انقونس نیکلا (۱۸۶۳ - ۱۹۳۹) فرزند لونی ژان یا نیست نیکلا، در رست متولد گردید (آلمانی که پدرش کنسول فرانسه در رست بود)، انقونس نیکلا از سال ۱۸۸۷ بعنوان مترجم سفارت فرانسه و از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۶ سر کنسول فرانسه در تهران و از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۸ سر کنسول فرانسه در تبریز بود. وی و پدرش علاوه بر شغل سیاسی، با تبحری که در زبان فارسی داشتند، کتابها و مقاله های متعددی درباره ایران نوشته و ترجمه کردند. آنچه را که در برخی از کشورهای اروپائی و امریکائی، از «خانه هادورسی» ریزند، شاید بتوان «زبانه» نامید. ممکن است برای دیگری بکار آید. زبور و کردن و سائل دور ریخته شده، بوسیله رهگذران امری عادی است. کسانی نیز هستند که به عنوان شغل، روزهای بکشنه (چون بسیاری از خانه دکانی ها در تبریز و همدان و سایر پایانه های - صورت می گیرد) و سائل دور ریخته شده را - با وانت و کامیونت - جمع آوری کرده پس از تیز کردن با تسمه، در بازار و میدان های ارزاق فروشی، به عنوان انبساط دست دوپه عرضه می دارند.
۲. «نامه تسرا» به زبان پهلوی، که در صدر اسلام موجود بوده و ابن مقفع آن، «به زبان عربی ترجمه نمود، امروز نه اصل پهلوی این رساله در دست است و نه ترجمه عربی آن، و ترجمه فارسی آن بوسیله ابن اسفندیار، مدیون یک اتفاق است. (به کتاب نامه تسرا به گشتب، به تصحیح مجتبی مینوی - انتشارات خوارزمی، چاپ دوم ۱۳۵۲، صیاحه، نگاه کنید)
۳. ارنست هولستر که در اواخر سال ۱۸۶۳ به اصفهان آمد و قریب بیست سال زندگی خود را در این شهر گذراند. گوید: «۱۸۷۰ هنگامی که آب در زمینی خانه نوه هولستر افتاد، او صندوق موروثی را باز کرد و در آن، یادداشت ها و مجموعه فیلم های مربوط به ایران و ایالت. سفارت ایران در آلمان آنها را خریداری و محضی از آن را منتشر کرد. (به کتاب «ایران در یکصد و سیزده سال پیش» - بخش نخست اصفهان. تألیف ارنست هولستر - تهیه و ترجمه محمد عاصمی، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم شناسی ایران، ۱۳۵۵ مراجعه شود)
۴. این عکسها در عکسخانه شهر (تهران) تقاطع خیابان بهار و خیابان بهار شیراز (نگهداری می شود. تنها اثری که از عکاس دیده می شود، سایه عکاس و دوربین او در یکی از صحنه ها است که در بوسه نمایشگاه با عنوان «چهره تاریخ، سایه عکاس» به آن اشاره شده.
۵. تاریخ سبستان (نویسنده ناشناس، به تصحیح ملک الشعرای بهار، نشر موزه خاور، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
۶. حدود انعام من المشوق الی المغرب (نویسنده ناشناس)، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، ناشر کتابخانه ظهوری - ۱۳۶۹.
۷. وقفنامه ربع رشیدی، (به خط واقف) از شهیدالدین فصلی، (به ابن حجر)، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار از انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳۵۶.
۸. تاریخ بیهقی تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی - تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، نشر علم، چاپ چهارم ۱۳۷۴. از تاریخ بیهقی از مجلد (بخش) اول تا چهارم و قسمتی از مجلد پنجم در دست نیست و در مجلد دهم (بابان) از فصل دیگری رومی دهد.

CONSULAT DE FRANCE

Tauris, le 4 Janvier 1909

TAURIS

Direction Politique

N° 2

Religieuses de la

Colonie Russe au

Président de la -

Douma.

Le Consul de France à Tauris
a l'honneur de transmettre de la
République de Tauris

مرکز تحقیقات و پیوسته علوم اسلامی

J'ai ainsi écrit Tauris au
quel on ne manquait le prochain
mois d'une circulaire au corps
certainement désignant le Président
envoyé par les sujets Russes au
Président de la Douma en ces termes :
Le Consul Russe ne peut se permettre
faute de conscience : les biens, la vie des
sujets Russes sont menacés, les boutiques
ont déjà été pillées, nous ne devons
plus aucune espérance, demandons
du secours. Cette circulaire finira
en demandant de nous seuls sujets

ملائف الدین



۱۱۱ روزانه در کمال

مستمن

دوره روزانه نماز و حق است

بیت بکرین حبیب و شرفی

تا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۳

مطابق ۲۵ فروردین ۱۳۸۳

ابون اشتران کابل

دوره روزانه نماز و حق است

سایر روایات و چند ...

فرهنگستان ...

نقشه روز و شب ...

نسخه و نسخه ...

کَشْکُول

وقت یک نوبت نماز است

این روزنامه از دید بخت و محنت کلیه قاریان محترمین این خدمت بخت و محنت بر آن مستمنان است و از آن جهت که بخت و محنت بر آن مستمنان است و از آن جهت که بخت و محنت بر آن مستمنان است ...

(شکر از اهدات انجمن بلدی)

چند است امروزین که به شرح کرده اند خاندان ما و همین که ...
و نصب کاشی مرمری در خانه و دو سال پیش یک قطعه کاشی ...
بر عدد و نماز آن خانه با همی بود و نصب کاشی ...
انجام حلال چشم را روشن کرده و صدای مردم میداند که این ...
تا چند نوبت بعد از آن وقت نماز و چه در وقت نماز ...
از هر آنکه در وقت پیدا کردن بر خانه چینی که در این ...
چیند و بعد از آن مرمری در خانه چینی که در این ...
نظرها برین سوال که وقت نماز در این وقت نماز ...
که در نظر خاندان در طهران از برای ایران زیادتر است ...
چرا که در هر کجای چندین نفر یک نصب هستند ...
کار در سوال یکدیگر منزلت اسلام که است ...
شان میدهند چاره و بیا بیا آن بگذرند خانه خود اسلام ...
یکی خانه خود اسلام که در وقت نماز ...
نظر آقای امام را از این دید و دیگر ...
و شاید آن شخص و خان را وقت نماز که در زمان ...
نشود و نامشود و خود را ...

با کوشش و سلیقه و در اندیشه و در ...
متینانه و در آن روز و در این ...
بندید و همه خبر برای فرمایشی روز ...
چینی کارها شده و در این ...
لرزم این مسئله را چهار و چهار ...
ادب هر جا نوشتم حق آنکه در ...
ساختیم ای آن وقایع که بود که ...
بلندتر این مقصود عالی عرض شده ...
خودان چنین میدانیم نصب ...
مست از اصل نماز نماز کرد ...
و اگر از اهدات معذیه و این ...
با چراغ برق و چینه سینه ...
ولی در اینجا در شهر ...
احصای محرم بلدی ...
که از هر کجای کشور ...
برستونال یکت چراغ برق ...
داشت که بنا بر این ...
مستوفی ...
سرن ...



(عنوان) (مراعات)

(نسخه حسینه - مقاله روزنامه)

(مجموعه) (مهرماه بهار)

طبع و توزیع میشود

۱۲ ذیقعده الحرام ۱۳۲۵

۱۸ دسامبر (۱۹۰۶) میلادی

بیت اشتراك سالانه

تیریه (۱۵ قران)

سایر بلاد ایران (۲۰ قران)

سالك خارجه (۲۵ قران)

قران قيسات سسه (۳۰)

توزيعه و عايش (ساير بلاد ايران - عامي)



مَجَلَّةُ

(وجه آيوه از هر هفتكس و از هر جا نقدتيا كرفته ميشود)

مقالان سويديت بحال دولت و ملت باعنا' پذيرفته ميشود و اداره در طبعش آزاداست و هر سورت علم طبع مکتوبان اعده داشته شده و با سکتها بدون تيريه قبول بشواهد شد

مکتوبت با از طرف عدالتخانه شاي بچمن مکتف مل تبريز قلمي نموده اند

تبريز انجمن نرسی چاپخانه است

مهرم جوئدا شکرمن

۱۵ رمضان المبارک ۱۳۲۵ تاریخچه جوانان که
و این اولی قری هشتاد و نه که اعظمی حضور نموده فرات
ایندی ؟ نسبت و تفکر زندگی مشارکت سببه
چیزی بنور محظوظ ایستی . ملت جلالت کتایسته .
(قانون اساسی) تا که تطبیق و سرعت امکانه
موفقیت کن طولانی جزئی تکمیل کلمه نیک اندو و
شوکت و مساهله نگرانی ایروز . زلمه هم حدود اولان
و دیدن این بوشان دولت اسلامی است احکام مقسمه دینی
مرهضاً اصول اداره شورسود مشروطیت مکتف و شمع
و تأسیس انجمنی . بیکرزی دهل . بنور عالم اسلامی
ده . متون و شادان ایله مکتف شیب وقتو . سرحد
سهامی متالیته سلسل اولان هیجان و اندیشه بی تدابیر غافلانه
ایله شکره هم ایله بیکر طولانی شایان تبریکنگر .
معلومه که که زمین اوزر نموده این هر نموده و بی برکت
فرمانده شیدر . حق توی و تقاسم حضرت لوی قرآن
عظیم الشانست (لؤلؤمون اخوة) بیور بیور : قسط

عقالتی باج و تحفه . او طولان ساطار عامر عبدالمجید چه
اواسر الیهدی سلطان احمدی کی بو حکمت جنیبل داخلی ادراک
انده سببیک قهر عاجز و مجنون برآمدن . ایسته
هر ایق سرفروبی چه در ایله بره فر دانشجه بنشاسی .
ری و سه دست اسخوت و اتحادی اوز لایق بله مکتف
جائسی نقصیات دیده زده در . عبدالمجید سرفان
و اسر آت جنونه شده ناک را بی . آرزو سرفو قدر .
بات ایله سببیک قهر آری شیردر . این اول که
ترجمان حسابات و افکاری اولدینس ملن عزالیه انجمنه بو
موجود مسئله نین طولانی سزلا قدر ما بوس و شادست
اوشلردر . بداندیشی بوسورنه ایق حایته سولی
ایز اسباب و آثار ایدن بچمنی نمره سببیکنگر و جدایله
داخل بر ایله بتلایان اقبال اعلامیه مکتف مالک خانیچه و هم
مرانی . ایچکنجی ده شو سوک زما نورد انطوتیده
سز زده ظهور اولان واقع قداره مکتف ایست ۱۹۱۵ سنه
هبات و مکتف سنه اولان ده شنبدر . مانی بو ایله
یوقه انه اول لایق فکر حرات و عدالت انشار سرفینه
سایه اولوق ایست یور . زوم و طبعه هر ایق مکتف اعلامیه
افرادیت حقیقت سنه مکتف تقویه حادان قیامتک ظهورینه
بدان و مکتف . ایسته جیتن و مکتف عقالتی
ضابطانه خطاً بر بیانان سرفایش و وساطت

سال اول

(شماره ۱۸) (ماری و حایرین من قنوت) (شماره ۱)

« (تست اشتراك سابقه) »

(خابزل ۱۳ قران)

(سایر بلاغیون ۱۷ قران)

(غافه خارجه ۱۰ قران)

يك نمره (مهران) يك عباسی

سایر بلاغ ایرانی پنج شاهی

(عمل توزیع کتابخانه شریعت)

مراسم کتابخانه را به پیشوا هدایت می نمود

« (اسفوت) »



« (عدالت) »

« (عنوان مسائلات) »

« (طهران) »

« (موسسه آینه ادب و ادبیات) »

(سید محمد رضایی شیرازی)

(سید عبد کریم طغانی)

« (مجله هفته با کربلایه می شود) »

تست اشتراك پس از رسیدن چهار نمره

از عموم مشترکین دریافت می نمود

« (حریت) »

« (شماره ۱۸) شماره ۱۹ سطر ۱۳۳۶ هجری قمری (در ۲ فروردین سال ۱۳۳۰) ۲۲ مارس ۱۹۰۸ میلادی ک ۱۳۵۰ -

لورده و منت را در این فرودار بستمایه گوته کون
و مناصب تصور نکوفی کرفار میکنند
میبیند سلسله که نهایت ایران دوستی تر و بزرگ
نمین - از ادبیات است هاد طیفه طرفداران استبداد
دوستان و جستانی است که در میان مان نوبت و در
مابلی ازادی طلبان قیدم میباشند او این سلسله استبداد
نجات و دستکاری پس دشمن و در نجات اشتراکات
برای تشریح مقصود لازم است بدایم سکه است
کبت ؟ و راه ازادی کجاست ؟

در اینجا فقط بیان مثل قاعده نموده میگویم
يك قسمه زمین و آینه عدولت پذیری، جزو
دود نوس و دود هم نشد و حلیج قوس در قفسه
چراغی موسوم بران شده است و تحریر درازده
بلیون قوس در این دهنه آرزوی سخی دلورده - آیا
علم این سگه ایرانی و حلت ایرانند ؟ غیر سیر -
مرکز پستی نخواهد بود

روزه ایران و مان سلی کمان میباشند که ظانگر
و خشنگار این آب و خاکند و سداو زندگان و
حفظ جامع و استقلال ملت بعه وجوده اتز بند
که مرکه در ایران است ایرانی توان بود و جزو ملت
باید تواند

امروز مسکنی که عبور زندگان ایرانیانند فقط
شخص بینه طاقند

(۱) زارین جو ظر که امروز بر ایران است
سین طبقات در نخلورده و هیچ حق از حقوق آنها
دستوراً ادا نمیشود

این طایفه ، ناوله ایران با آنکه حامل روزی عالی

سوز درونی را موقع اظهار رسید
هر ملتی که در دنیا در خواب میباید بیدار
ماند و روزگار سواد خود را بر پیشوی او مسخر
بوسانیدد يك وقت سرار بسته اندکی بر میدارد و چشم
میگشاید بی چشمه در شکستای علمی گفته بود که
بکلی از جمیع حقوق بشری محروم و از انسانی حیث
لاند زندگان و اولاد آنان و وای بر دهنه قزاقان وقت
حسن بشری از ملت دهفتا يك حرولت بر شاد و يك
غیوت و حرکت حیوت نعلیزی در خود نوبت میکنند
و سرایز بهایی ابداد حقوق، خصوصاً سوئس میگرد
از قلم ملت نهرأ ابتلا چه دشمن بزرگ و سه
طایفه ظالم سوادند در

آر به طایفه ظالم کدنا در ؟ نخست ساجده که در
مقابل لژی ملت جزو بر پای قلم نبار و خاکند
هانا سینه مستبدین دولت حکومت است که سالتا چون
قوی خون اشام از خون طوط و سنا اندوه نموده
و برای سالت ازادی ملت دوستان جانده شادری شوند
بشکست نورخ همیده در مرکه این سلازه قبح
و نفروزی : مان بوده و از برای شکست این لشکر
از انبیاو پندار زحیر بکشد مان

سین انبیاو طایفه روحانیون که مدتها بدستای و
سار ابراهم عوام کس و با چه نلوس خود مسخر و
امیر داشته کش و ناکر انانی را بطاع برار مذمبی
و مردم فریب خوابی قرار داده (مخرفون الکم عن
سواسته ایشان) و کتا قزاقان اینس وار استبر
ضاللت و عداوت نهمیز و بر از دهنه جدا نکتت بر

